

اثیرالدین ابهری: نخستین چهار اثر منطقی

اسدالله فلاحی *

DOI: 10.22096/ek.2026.2084387.1621

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸]

چکیده

اثیرالدین ابهری نوشته‌های منطقی بسیاری را در قالب رساله و کتاب و گاه در قالب بخشی از کتاب نگاشته است که برخی تصحیح و منتشر شده‌اند و برخی همچنان در انتظار تصحیح و انتشارند. تاکنون تحلیل جامعی از آثار منطقی ابهری به عنوان یک کل صورت نگرفته و نوشته زیرگامی نخستین در این زمینه است و در آن به تحلیل و بررسی چهار اثر منطقی ابهری می‌پردازم که شواهدی وجود دارد بر اینکه آنها نخستین رساله‌های منطقی او هستند. در این مقاله، به کمک شواهدی متنی، ترتیب نگارش این چهار اثر منطقی ابهری را با احتمال بالا تعیین می‌کنم و نشان می‌دهم که ابهری در این چهار اثر، تحت تأثیر عمر بن سهلان ساوی، فخرالدین رازی و شاگردش زین‌الدین کشی است. نوآوری‌های منطقی ابهری در این چهار اثر بسیار اندک است و در مقایسه با آثار بعدی او که بالغ بر ۱۴ رساله و کتاب است چندان به چشم نمی‌آید و همین مسئله خود دلیلی بر تقدم این چهار اثر بر همه آن ۱۴ اثر می‌تواند باشد.

واژگان کلیدی: ایساغوجی؛ رساله فارسی در منطق؛ زبدة الاسرار؛ هدایة الحکمة.

مقدمه

از اثیرالدین ابهری، آثار فراوانی در منطق و غیر منطق گزارش شده است که به جز مواردی که مصححان آثار او در مقدمه‌هایشان بر آن آثار گزارش‌هایی ذکر کرده‌اند (برای نمونه، مقدمه‌هایی که مهدی عظیمی بر دو کتاب منتهی الافکار و خلاصه الافکار نگاشته است) تحلیل معتناهی از این آثار دیده نمی‌شود. مقایسه و سنجش آثار منطقی ابهری هم به صورت پراکنده و بسیار موردی در این یا آن مقاله دیده می‌شود که هرگز جای تحلیل و بررسی کامل این آثار را نمی‌گیرد؛ از این رو به نظر می‌رسد برای رسیدن به چنان تحلیل و بررسی جامعی، نیاز است گام نخست برداشته شود و مقایسه‌ای اجمالی - در حد وسع نگارنده - صورت بپذیرد تا راه برای رسیدن به مراحل بعدی تا حدی هموار گردد.

در این مقاله و مقالاتی که در پی آن خواهد آمد، بر پایه شواهد متنی ترتیب نگارش آثار منطقی توسط ابهری تا حدودی آشکار می‌شود و با دسته‌بندی آنها سیر تطورشان در طی زمان مشخص می‌گردد. نکته بسیار مهم تأثیرپذیری ابهری از اندیشه‌های افضل‌الدین خونجی در کتاب کشف الاسرار عن غوامض الافکار او است که در تعاطی و تعامل با آن، سیر رو به تکاملی از ایده‌های منطقی در اندیشه ابهری شکل می‌گیرد و در آخرین اثر او، تزیل الافکار، به بیشترین پختگی می‌رسد.

۱. ترتیب آثار منطقی ابهری

نوشته‌های منطقی ابهری را در زیر به حسب زمان نگارش مرتب کرده و به حسب شباهت‌های محتوایی در درون‌مایه آنها به چهار دسته تقسیم کرده‌ام. مواردی که تصحیح شده و به آنها دسترسی یافته‌ام ذکر شده‌اند و مواردی که تصحیح نشده یا به دست من نرسیده به نسخ خطی آنها ارجاع داده‌ام. (در فهرست زیر، موارد ستاره‌دار (*) آنهايي هستند که صرفاً شامل منطق و فاقد طبیعیات و الهیات‌اند و موردی که با ○ مشخص شده، نسخه خطی‌اش متأسفانه شامل بخش منطق نیست.)

الف) چهار اثر زیر نخستین نوشته‌های منطقی ابهری و به لحاظ محتوایی نیز نسبتاً ابتدایی هستند:

۱. * ایساغوجی (متن در اینترنت: ۱۴۳۹ق.)

۲. * رساله فارسی در منطق (تصحیح: محمدتقی دانش‌پژوه ۱۳۴۹)

۳. زبدة الاسرار (تصحیح مهدی حسنی‌زاده، ۱۳۹۴)

اثیرالدین ابهری: نخستین چهار اثر منطقی / فلاحی ۱۱۵

۴. هداية الحكمة (سه تصحيح: محمدتقی دانش‌پژوه، ۱۳۴۹؛ نجفقلی حبیبی، ۱۳۸۷؛ عبدالرحمن ترکمانی، ۱۳۹۸)

ب) چهار اثر زیر را ابهری در سال ۶۲۷ق. به نجم‌الدین کاتبی تدریس کرده و انهاییه‌ای بر صدر هر کدام نگاشته است که خوشبختانه هر چهار اثر با هم در دو مجموعه به دست ما رسیده است (یکی در کتابخانه فاضل احمد پاشا ش. ۱۶۱۸ و دیگری در کتابخانه مراد ملا ش. ۱۴۰۶). این چهار اثر را می‌توان دوره دوم منطق‌ورزی ابهری به شمار آورد:

۵. بیان الاسرار (تصحیح مهدی عظیمی، ۱۳۹۶؛ نوربک، ۲۰۱۸)

۶. تلخیص الحقائق (تصحیح مهدی عظیمی، ۱۳۹۵؛ حسین چلیک، ۲۰۱۹)

۷. المطالع (تصحیح مهدی عظیمی، ۱۳۹۹؛ عبدالعزیز صامت خوجا، ۲۰۲۴)

۸. زبدة الحقائق (تصحیح مهدی عظیمی، ۱۳۹۸؛ سلطان توران، ۲۰۱۷)

سه کتاب زیر دوره سوم (دوره نقدهای ابهری بر فخر رازی) هستند:

۹. مراد المقاصد (راجح مصطفی مصطفی هلال ۲۰۲۴) (مصطفی بورص بوغا و سمیه شهیده جان، ۲۰۲۵)

۱۰. ○ كشف الدقائق في علم الحقائق (نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، به شماره ۱۴۸۲)

۱۱. كتاب الشكوك على الملخص (مصطفی بورص بوغا، ۲۰۲۵)

هفت کتاب زیر دوره پختگی و پایانی ابهری و مواجهه جدی او با كشف الاسرار خونجی هستند:

۱۲. منتهی الافکار فی إبانة الاسرار (تحریر اول) (مهدی عظیمی و هاشم قربانی، ۱۳۹۵)

۱۳. منتهی الافکار فی إبانة الاسرار (تحریر دوم) (مهدی عظیمی و هاشم قربانی، ۱۳۹۵)

۱۴. عنوان الحق و برهان الصدق (زین العابدین حسینی، ۲۰۲۵) (نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، به شماره ۲۷۵۲)

۱۵. * دقائق الافکار (محمدجعفر جامه‌بزرگی ۱۳۸۸) (نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، به شماره ۲۷۵۲)

۱۶. كشف الحقائق في تحرير الدقائق (حسین صاری‌اوغلو، ۱۹۹۸)

۱۷. * خلاصة الافكار و نقاوة الأسرار (مهدی عظیمی و هاشم قربانی، ۱۳۹۶)

۱۸. تنزیل الافکار فی تعدیل الأسرار (محمود آئی و مصطفی بورص بوغا، ۲۰۲۵)
(نسخه لاله‌لی، ۲۵۶۲).

ترتیب پیشنهادی در بالا، چنانکه در این مقاله و مقالات بعدی خواهد آمد، یا بر حسب ارجاعات موجود در متن برخی از این آثار به آثار پیشین است یا بر حسب اصلاح و تکمیلی است که به‌وضوح نشانگر پختگی یک اثر نسبت به اثر پیشین است. البته آشکار است که قرائن یادشده به حدیقین نمی‌رسند، ولی شواهد به‌دست‌آمده کم‌وبیش قانع‌کننده به نظر می‌رسد، یا دست‌کم تا ارزیابی‌های مطمئن‌تر آیندگان، می‌توانیم ترتیب بالا را به صورت موقتی معتبر به شمار آوریم.

در این مقاله، به دلیل ملاحظات حجمی، بیشتر به دو اثر نخست خواهیم پرداخت و در این میان، آنها را با دو اثر بعدی مقایسه خواهیم کرد و امیدوارم رسائل میانی و کتاب‌های دوره پختگی ابهری را به ترتیب در مقالات دیگری معرفی، مقایسه و تحلیل کنم.

۲. ترتیب چهار اثر

ترتیب این چهار اثر، چنانکه گذشت، چنین است:

۱. * ایساغوجی (متن در اینترنت: ۱۴۳۹ق.)

۲. * رساله فارسی در منطق (تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، ۱۳۴۹)

۳. زبده الاسرار (تصحیح مهدی حسینی‌زاده، ۱۳۹۴)

۴. هدایة الحکمة (سه تصحیح: محمدتقی دانش‌پژوه، ۱۳۴۹؛ نجفقلی حبیبی، ۱۳۸۷؛ عبدالرحمن ترکمانی، ۱۳۹۸)

از این چهار اثر، تنها در هدایة الحکمة به زبده الاسرار ارجاع داده شده است:

«ومن أراد تفاصيل ما ذكرنا من المجملات والاستقصاء في المنطق فليرجع إلى كتابنا

المسمى بـ«زبده الأسرار» والله ولي الأبرار»^۱.

۱. اثیرالدین ابهری، «هدایة الحکمة»، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۷، شماره ۳ و ۴ (۱۳۴۹): ۱۲؛ و اثیرالدین ابهری، «هدایة الحکمة»، تصحیح نجفقلی حبیبی، در: خرد و خردورزی: ارج‌نامه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، به‌کوشش علی اوجبی (تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۷)، ۴۰۸؛ و اثیرالدین ابهری، هدایة الحکمة، تصحیح عبدالرحمن ترکمانی (بیروت: دار الراحین، ۱۳۹۸)، ۱۱۰.

ابهری: نخستین چهار اثر منطقی / فلاحی ۱۱۷

«ومن أراد الاستقصاء في الحكمة و الوقوف على مذهب الحكماء فليرجع إلى كتابنا المسمى بـ«زبدة الأسرار» والله ولي الأبرار».^۲

و این نشان می‌دهد که ابهری زبدة الاسرار را پیش از هدایة الحکمة نگاشته است. (ارجاع‌ها در انتهای بخش منطق و انتهای بخش الهیات از هدایة الحکمة است.) ترتیب دو کتاب دیگر چندان قطعی نیست هرچند چندان هم دور از ذهن نیست. در ادامه، شواهدی بر تقدم رساله ایساغوجی بر سه رساله دیگر و تقدم رساله فارسی بر زبدة الاسرار و هدایة الحکمة خواهم آورد.

۳. رساله ایساغوجی

رساله ایساغوجی با حدود ۱۳۰۰ کلمه (اندکی بیش از چهار صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای) شاید کوتاه‌ترین رساله منطقی در جهان اسلام باشد. ابهری صراحتاً این رساله را برای نوآموزان نوشته است، نه فقط نوآموزان منطق، بلکه نوآموزان هر علمی:

«وَبَعْدُ فَهَذِهِ رِسَالَةٌ فِي الْمُنْطِقِ أَوْزَدْنَا فِيهَا مَا يَجِبُ اسْتِحْصَاؤُهُ لِمَنْ يَبْتَدِئُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْعُلُومِ مُسْتَعِينًا بِاللَّهِ تَعَالَى إِنَّهُ مُفِيضُ الْخَيْرِ وَالْجُودِ».

از این عبارت، آشکارا به دست می‌آید که عنوان این رساله «رساله فی المنطق» بوده است؛ اما به دلیل اینکه عنوان بخش نخست این رساله ایساغوجی بوده، گمان رفته که این عنوان، عنوان کتاب است و در طول تاریخ به همین نام مشهور شده و ما نیز به پیروی از این «غلط مشهور» همین نام را به کار می‌بریم.

رساله ایساغوجی مورد اقبال بسیاری از منطق‌دانان قرار گرفته و بر آن شرح‌های بسیار نوشته و بر آن شرح‌ها حاشیه‌ها نگاشته‌اند و افزون بر همه اینها، از خود رساله ترجمه‌های چندی به زبان‌های مختلف دنیا به دست داده‌اند که شاید برشمردن همه آن شرح‌ها، حاشیه‌ها و ترجمه‌ها ممکن نباشد و از این رو، صرفاً اندکی از بسیار را در زیر می‌آورم:

۱. شرح حسام‌الدین حسن کاتی (د. ۷۶۰ ق.):

۲. شرح میر سید شریف جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ ق.):

۲. ابهری، «هدایة الحکمة» (تصحیح دانش‌پژوه)، ۱۲؛ ابهری، «هدایة الحکمة» (تصحیح حبیبی)، ۴۵۲؛ ابهری، هدایة الحکمة (تصحیح ترکمانی)، ۲۴۶.

۱۱۸ هستی و شناخت / سال ۱۰ / شماره ۲ / پیاپی ۲۰ / صص ۱۱۳-۱۴۰

۳. شرح نورالدین علی بن ابراهیم شیرازی (د. ۸۲۶ ق)؛

۴. شرح شمس‌الدین محمد بن حمزه فناری (۷۵۱-۸۳۴ ق)؛

۵. شرح زین‌الدین زکریا بن محمد انصاری (د. ۹۱۰ ق)؛

۶. شرح محمود مغنسی (د. ؟؟) با عنوان «مغنی الطلاب فی المنطق»؛

۷. شرح عمر بن صالح فیضی توقادی (د. ۱۲۶۵ ق). با عنوان «الدر الناجی علی متن ایساغوجی» به تاریخ ۱۲۱۰ ق؛

۸. شرح احمد صدقی (د. ؟؟) با عنوان «ذریعة الامتحان» به تاریخ ۱۳۰۵ ق. (در کتابخانه راغب‌پاشا به شماره ۲۲۹۴).

برخی از این شرح‌ها، تا آنجا که من دیده‌ام، حاوی نکات تحقیقی و نوآورانه ارزشمندی است که بررسی آنها ضروری می‌نماید، ولی از آنجاکه به پژوهش مستقلی نیاز دارد، از بررسی آن در این مقاله می‌پرهیزم.

و اما ترجمه‌ها:

۱. ترجمه فارسی ابوالفتح شیرازی (د.) با عنوان «مرآة المنطق»؛

۲. ترجمه لاتینی توماس نواریسیس (۱۵۸۵-۱۶۳۲ م.)^۳ در رم (۱۶۲۵ م.)، با عنوان:

Isagoge, i.e. breve introductorium arabum in scientiam logicae cum versione latina;

۳. ترجمه انگلیسی کالورلی (۱۸۲۶-۱۸۹۷ م.)^۴ در «یادنامه مکدانلد» در پرینستون (۱۹۳۳ م) با عنوان:

D. B. Macdonald Memorial Volume, Princeton, 1933, pp. 75-85.

۴. ترجمه ترکی حسین صاری اوغلو (متولد ۱۹۶۴ م.)^۵ با عنوان:

Ebheri, İsağuci Mantığa Giriş, İz Yayıncılık, İstanbul: 1998.

3. Thomas Obicini of Novara (Italian: Tomasso Obicini da Novara; 1585 – 7 November 1632)

4. Edmund Calverley (born Edmund Blayds) (14 August 1826 – 15 September 1897)

5. Hüseyin Sarıoğlu (1964-)

و پژوهش‌ها:

قنواتی از پژوهش زیر از کریستیان فریدریش زایبولد (۱۸۵۹-۱۹۲۱)^۶ به زبان آلمانی درباره رساله ایساغوجی نام می‌برد:

C. F. Seybold, "Al-Abharī's Īsaghūjī und al-Fanārī's Kommentar dazu," *Der Islam* 92, 1919, pp. 112-15.

ترجمه‌ها و پژوهش‌های بالا به نقل از عظیمی^۷ و او به نقل از قنواتی است.

علی‌رغم این اقبال شگفت به ایساغوجی، این رساله مرتکب خطاها یا بی‌دقتی‌های شگفتی شده است که نشانگر نگارش آن در دوران جوانی و خامی ابهری است.

۴. رساله فارسی

از این رساله، گویا تنها یک نسخه (در مجموعه‌ای در دانشگاه تهران به شماره ۵۹۶۸، فهرست فیلم‌ها ص ۷۲۹) به جا مانده که محمدتقی دانش‌پژوه در سال ۱۳۴۹ آن را تصحیح و در نشریه دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران منتشر کرده است. به گفته دانش‌پژوه، قلم این رساله «بفارسی روان و شیرین» است که توصیفی است به حق و گویا.

این رساله بسیار مفصل‌تر از ایساغوجی و در تصحیح دانش‌پژوه بالغ بر بیش از ۲۵ صفحه است. این رساله افزون بر برخی خطاهای مشترک با ایساغوجی، دو خطای آشکار منطقی مرتکب شده که در ایساغوجی اصولاً به آن پرداخته و در هیچ‌یک از آثار بعدی نیز تکرار نشده و این خود نشانه آن است که این اثر در دوران جوانی و خامی ابهری نگاشته شده است و از همین رو به قاطعیت می‌توان نگارش آن را پیش از دو اثر بعدی که در این مقاله به آنها نیز خواهیم پرداخت (زبده الاسرار و هدایة الحکمة) دانست.

۵. زبده الاسرار

این کتاب که شامل منطق، الهیات و طبیعیات است، احتمالاً نخستین کتاب ابهری در این سه علم است می‌توان آن را از کتب با حجم متوسط ابهری در نظر گرفت. بخش منطق این کتاب بسیار مفصل‌تر از دو رساله پیش‌گفته است.

از زبده الاسرار ابهری تنها دو نسخه خطی زیر را می‌شناسیم:

6. Christian Friedrich Seybold (1859 -1921)

۷. مهدی عظیمی، «میراث اثیری و کارنامه اثیرالدین ابهری»، تاریخ فلسفه ۴، شماره ۳ (پیاپی ۱۵) (زمستان ۱۳۹۲): ۱۶۵.

۱. نسخه کتابخانه فیض‌الله افندی به شماره ۱۲۱۰؛

۲. نسخه کتابخانه مرعشی نجفی به شماره ۴۰۶۰.

برگ‌های دست‌نویس نخست در صحافی مجدد با جابه‌جایی‌های فراوان و به صورت بسیار مغشوش از نو چیده شده و فاقد صفحه نخست منطق است. دست‌نویس دوم هم متأسفانه فاقد بخش منطق و صرفاً شامل بخش‌های طبیعیات و الهیات کتاب است.

خوشبختانه، این اثر در گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه تهران به دست مهدی حسنی‌زاده به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد تصحیح شده است. این تصحیح هرچند از قوت نسبی برخوردار است، همچنان نیازمند تصحیح انتقادی قوی‌تر و بیش از آن نیازمند بررسی محتوایی و علمی است. در این مقاله، در مقایسه با سه رساله دیگر، اشاراتی اندک به این کتاب خواهد شد، چراکه بحث از ویژگی‌ها و نوآوری‌های آن نیازمند مقاله‌ای مستقل است.

۶. هدایة الحکمة

این رساله بسیار کوتاه از ابهری، شامل منطق، الهیات و طبیعیات، و به احتمال بالا چکیده‌ای از زیده الاسرار است و بخش طبیعیات و الهیات آن (مانند رساله منطقی ایساغوجی) مرکز توجه بسیاری از اندیشمندان در طی سده‌ها بوده است. اکبر ثبوت ۴۹ شرح از دانشمندان مسلمان بر بخش طبیعیات و الهیات این رساله گزارش کرده است^۸ که دو مورد از آنها در تاریخ فلسفه اسلامی بسیار مشهور شده‌اند:

۱. شرح میبیدی (قاضی میرحسین حسینی میبیدی یزدی مقتول در ۹۱۱ق.)؛

۲. شرح ملاصدرا (۹۸۰-۱۰۵۰ق.).

قاضی میبیدی (حدود ۸۵۰ق.-۹۱۱ق.) از شاگردان علامه دوانی (۸۳۰-۹۰۸ق.) و به توصیه او، قاضی یزد بود که پس از اشغال این شهر توسط شاه اسماعیل صفوی در ۹۱۰ق. و سپس توسط رئیس محمد گره ابرقویی و پذیرش وزارت او، و اشغال مجدد توسط شاه اسماعیل، به دلیل همکاری با محمد کره، به دستور شاه صفوی کشته شد. به همین دلیل، درباره زندگانی میبیدی اطلاعات چندانی وجود ندارد و ابوالحسن فیاض انوش در مقاله‌ای بسیار خواندنی میبیدی را از طریق بررسی منشآتش تا حد امکان شناسانده است.^۹

۸. اکبر ثبوت، «هدایة الحکمة و شروح آن»، در خرد جاویدان: جشن‌نامه سیدجلال‌الدین آشتیانی، به‌کوشش علی‌اصغر محمدخانی و حسن سیدعرب (تهران: فروزان روز، ۱۳۷۷).

۹. ابوالحسن فیاض انوش، «میرحسین میبیدی (مقتول ۹۱۱ ه.ق.)، یک بازشناسی تاریخی». پژوهش‌های تاریخی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، سال ۲، شماره ۳ (پیاپی ۷) (پاییز ۱۳۸۹): ۹۳-۱۱۶.

اثیرالدین ابهری: نخستین چهار اثر منطقی / فلاحی ۱۲۱

خوشبختانه، هر دو شرح تصحیح و منتشر شده‌اند،^{۱۰} ولی متأسفانه، چنانکه گفتیم، همه شرح هدایة الحکمة، از جمله این دو شرح، صرفاً بر بخش طبیعیات و الهیات هدایة الحکمة شرح زده‌اند و گویا شروح موجود بر ایساغوجی سبب بی‌انگیزگی بر نگارش شروحی بر منطق هدایة الحکمة گشته است. اکبر ثبوت از پنج رساله کارشناسی ارشد در دانشکده الهیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳ نام می‌برد که به ترجمه شرح هدایة ملاصدرا پرداخته‌اند^{۱۱} و متأسفانه من به آنها دسترسی نداشته‌ام.

از خود هدایة الحکمة دست‌کم سه تصحیح زیر را می‌شناسیم:

۱. بخش منطق؛^{۱۲}

۲. کامل؛^{۱۳}

۳. کامل.^{۱۴}

بخش منطق هدایة الحکمة بسی مفصل‌تر از دو رساله ایساغوجی و رساله فارسی است، ولی چنانکه گفتیم، بسیار کوتاه‌تر از زبدة الأسرار و در حکم چکیده آن است.

با این توضیحات در باره چهار اثر یاد شده، به بررسی محتوایی آنها و تعیین ترتیب زمانی نگارش آنها می‌پردازم.

۷. شواهدی بر تقدم ایساغوجی بر سه رساله دیگر

در ایساغوجی، از یک سو، از مباحث مهم منطقی زیر هیچ‌ذکری به میان نیامده است:

۱۰. علیرضا جوانمردی ادیب، تصحیح و مقدمه شرح هدایة الحکمة میبیدی (رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۷)؛ قاضی کمال‌الدین میبیدی، شرح هدایة الحکمة، تصحیح، تحقیق و مقدمه علیرضا جوانمردی ادیب (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۹)؛ و محمد بن ابراهیم بن یحیی قوامی شیرازی (صدرالدین محمد شیرازی)، شرح الهدایة الاثریه فی الالهیات، تصحیح، تحقیق و مقدمه مقصود محمدی (تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۹۳).
۱۱. اکبر ثبوت، «هدایة الحکمة و شروح آن»، در خرد جاویدان: جشن‌نامه سیدجلال‌الدین آشتیانی، به کوشش علی اصغر محمدخانی و حسن سیدعرب (تهران: فروزان روز، ۱۳۷۷)، ۱۵۰.
۱۲. اثیرالدین ابهری، «هدایة الحکمة»، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۷، شماره ۳ و ۴ (۱۳۴۹): ۴۵۸-۴۸۳.
۱۳. اثیرالدین ابهری، «هدایة الحکمة»، تصحیح نجفقلی حبیبی، در: خرد و خردورزی: ارج‌نامه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، به کوشش علی اوجیبی (تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۷).
۱۴. اثیرالدین ابهری، هدایة الحکمة، تصحیح عبدالرحمن ترکمانی (بیروت: دار الراحین، ۱۳۹۸).

۱. موجهاً؛
 ۲. عکس نقیض؛
 ۳. شکل‌های دوم تا چهارم قیاس (شرایط انتاج و ضرب‌های منتج و عقیم)؛
 ۴. برهان خلف؛
 ۵. برهان افتراض؛
 ۶. اختلاطات قیاس؛
 ۷. اقسام ثانوی قیاس‌های اقترانی شرطی؛
 ۸. قیاس ضمیر.
- از سوی دیگر، هر یک از موارد زیر بدون هر گونه توضیح اضافی صرفاً در قالب یک مثال ذکر شده‌اند:
۱. ضرب‌های منتج شکل اول (قیاس حملی)؛
 ۲. اقسام اولی قیاس‌های اقترانی شرطی.^{۱۵}
- مقصود از «اقسام اولی» قیاس اقترانی شرطی اینها است:
۱. دو متصله؛
 ۲. دو منفصله؛
 ۳. متصله و منفصله؛
 ۴. متصله و حملیه؛
 ۵. منفصله و حملیه.
- و مقصود از «اقسام ثانوی» اینها است:
۱. حدوسط جزء تام در هر دو مقدمه؛
 ۲. حدوسط جزء ناقص در هر دو مقدمه؛

۱۵ از این رو، شاید چندان شگفت نباشد که در دوران معاصر، فردی ناشناخته اما اهل ذوق تمام متن ایساغوجی را بدون حذف حتی یک کلمه در قالب یک نمودار در ده صفحه از آب درآورده است.

۳. حدوسط جزء تام در یک مقدمه و جزء ناقص در یک مقدمه.

در رساله فارسی، اما، قضیه حملیه به مطلقه و موجهه تقسیم و از قضایای موجهه به ضروریه، ممکنه و دائمه اشاره شده است و از این رو، یک گام جلوتر از ایساغوجی است، هرچند به احکام این موجهات در تناقض و عکس و قیاس (مختلطات) پرداخته نشده است.

همچنین، در رساله فارسی، هرچند بحثی از عکس نقیض نمی بینیم، شرایط انتاج و ضربهای منتج و عقیم شکل های دوم و سوم به تفصیل بررسی شده اند و برهان خلف و افتراض برای برگرداندن برخی از این ضربها به شکل اول در جای خود استفاده شده است.

در هدایة الحکمة به تفصیل بیشتری از هر دو رساله برمی خوریم. در بحث از موجهات، ابهری تصریح می کند که از «ضروریه» صرفاً «ضروریه بحسب دوام ذات» را اراده می کند و نه «بشرط الوصف» یا «بحسب وقت معین» یا «بحسب وقت غیر معین». هیچ ذکری از این اقسام در دو رساله پیشین نیامده است. در این رساله، افزون بر دو اصطلاح «مطلقه» و «ممکنه» با اصطلاحات زیر نیز آشنا می شویم: «مطلقه عامه»، «وجودیه»، «ممکنه عامه» و «ممکنه خاصه» که پیشرفت آشکاری نسبت به دو رساله پیشین را نشان می دهند. البته اینجا نیز مانند دو رساله پیشین، نقیض موجهات مورد بررسی قرار نمی گیرد، ولی عکس مستوی آنها و اختلاطات آنها در بحث قیاس حملی مورد بحث و گفت و گو قرار می گیرد.

در هدایة الحکمة هم چنین، بحث از قیاس خلف و قیاس ضمیر به وضوح و به طور مستقل مطرح می شود و قیاس اقترانی شرطی مانند دو رساله پیشین در حد اقسام اولی قیاس باقی می ماند.

در زبده الأسرار، تفصیل بحث به مراتب بیشتر از همه اینها است (و ناگزیر در مقاله ای جداگانه به آن خواهیم پرداخت).
همه اینها می تواند شاهدهی (غیر قطعی) بر آن باشد که ایساغوجی، رساله فارسی و هدایة الحکمة نخستین سه اثر منطقی ابهری است.

۸. بقای صدق و کذب در تعریف عکس مستوی

اما شاهد قوی تری نیز هست. ابهری در رساله ایساغوجی در تعریف عکس مستوی مرتکب دو خطای منطقی می شود و آن را بر حسب بقای «سلب و ایجاب» و «تصدیق و تکذیب» (!) تعریف می کند:

«مع بقاء السلب و الإيجاب بحاله و التصديق و التكذيب بحاله».^{۱۶}

امروزه می‌دانیم که منطق‌دانان سینیوی در عکس مستوی تنها بقای «صدق و کیف» را شرط می‌دانند و از این رو، آثاری از ابن‌سینا و دیگران که بقای «صدق و کذب» را شرط کرده‌اند یا ناشی از خطای نوشتاری مستسخان بوده یا خطای منطقی نویسندگان اصلی.^{۱۷}

افزون بر این خطا، خطای دیگری در ایساغوجی می‌بینیم که به جای «صدق و کذب» نوشته است «تصدیق و تکذیب». آشکار است که صدق و کذب غیر از تصدیق و تکذیب هستند و اگر آن را خطای نوشتاری مستسخان ندانیم، ناگزیر باید خطای منطقی ابهری جوان بپنداریم.

نکته قابل تأمل اینکه این خطای دوم در سه اثر دیگر، (رسالة فارسی، هدایة الحکمة، و زبدة الاسرار) اصلاح شده و به جای «تصدیق و تکذیب» عبارت «صدق و کذب» را در آنها می‌بینیم:

«سلب و ایجاب و صدق و کذب بر جای بماند»؛^{۱۸}

«مع بقاء السلب و الإيجاب و الصدق و الکذب بحاله»؛^{۱۹}

«مع بقاء السلب و الإيجاب بحاله و الصدق و الکذب بحاله».^{۲۰}

این شاهدهی دیگر است بر اینکه رساله ایساغوجی پیش از آن سه رساله نوشته شده و خطای آن در آنها اصلاح شده است.

نکته مهم‌تر اینکه خطای نخست (نوشتن «صدق و کذب» به جای «صدق و کیف») در دو اثر متأخرتر ابهری (دو رساله تلخیص الحقائق و زبدة الحقائق) نیز دیده می‌شود و در سایر آثار او (۱۰ اثر بعدی) اصلاح شده است و این از یک سو نشان‌گر و شاهدهی بر تقدم زمانی این

۱۶. اثیرالدین ابهری، ایساغوجی، تصحیح الأشیری (بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۳۹ق)، ص ۲۲ فایل؛ و اثیرالدین ابهری، ایساغوجی، نسخه خطی، کتابخانه مراد ملا، استانبول، شماره ۱۴۸۵، برگ ۴ راست.

۱۷. سعید انواری و روح‌الله عالمی، «تعریف عکس مستوی از دیدگاه ابن‌سینا»، حکمت سینیوی ۱۲، شماره ۴۰ (پاییز و زمستان ۱۳۸۷): ۱۰۲.

۱۸. اثیرالدین ابهری، «رسالة فارسی». تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۷، شماره ۳ و ۴ (۱۳۴۹): ۴۶۶.

۱۹. اثیرالدین ابهری، «هدایة الحکمة» (تصحیح دانش‌پژوه)، ۱۰؛ اثیرالدین ابهری، «هدایة الحکمة» (تصحیح حبیبی)، ۳۹۹؛ اثیرالدین ابهری، هدایة الحکمة (تصحیح ترکمانی)، ۹۰.

۲۰. اثیرالدین ابهری، زبدة الأسرار، تحقیق و تصحیح مهدی حسینی‌زاده (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴)، ۳۹ و ۴۱.

چهار/شش رساله بر آن ۱۰ اثر است و از سوی دیگر، شاهدهی بر اینکه این چهار/شش رساله را می‌توان در یک دسته جای داد: دسته «دوران ابتدایی» و شاید «دوره نونهالی یا نوجوانی منطقی‌نگاری ابهری».

۹. اقسام حد ناقص و رسم ناقص در چهار اثر

ابهری در ایساغوجی «حد ناقص»، «رسم تام» و «رسم ناقص» را به گونه‌ای متفاوت با رساله‌های بعدی خود تعریف کرده است که نشانه رشد و پیشرفتی در اندیشه‌های او در این زمینه است. برای مقایسه، این تعریف‌ها را می‌بینیم:

	ایساغوجی	رساله فارسی	زبدة الاسرار و هداية الحكمة
حد تام	جنس قریب + فصل قریب	جنس قریب + فصل	جنس قریب + فصل
حد ناقص	جنس بعید + فصل قریب	مجموع اجزاء گفته نیاید و از فصل چاره‌ای نبود.	جنس بعید + فصل عرض عام + فصل
رسم تام	جنس قریب + خاصه لازمه	خارجیات + جنس	جنس قریب + خاصه لازمه
رسم ناقص	عرضیات تختص جملتها بحقیقة واحدة	خارجیات فقط	جنس بعید + خاصه لازمه عرض عام + خاصه لازمه

چنانکه دیده می‌شود، ابهری در ایساغوجی برای هر یک از «حد ناقص»، «رسم تام» و «رسم ناقص» تنها یک قسم برمی‌شمارد، بر خلاف سه اثر بعدی که برخی از این سه تعریف بیش از یک قسم دارند.

در رساله فارسی «رسم تام» افزون بر «جنس قریب + خاصه» شامل «جنس بعید + خاصه» هم می‌شود زیرا در تعریف آن «جنس» آمده است نه «جنس قریب». البته این دلیل کافی نیست زیرا در همین رساله، حد تام به مجموع جنس قریب و فصل تعریف شده است و از این رو باید بگوییم که شامل فصل قریب و بعید هر دو است؛ اما می‌دانیم که چنین نیست و در حد، باید فصل قریب اخذ شود. به همین دلیل، شاید در تعریف رسم تام هم باید «جنس قریب» اخذ شود و نه مطلق «جنس». از این رو، به نظر می‌رسد که عبارت‌های رساله فارسی ابهام‌هایی دارد و دقیقاً معلوم نیست که تعریف «حد ناقص»، «رسم تام» و «رسم ناقص» چیست.

۱۰. قسم پنجم تعریف

ابهری در رساله فارسی «تعریف به مثال» را نوع جدیدی از تعریف برمی‌شمارد و با این کار، قسم پنجمی را به اقسام چهارگانه تعریف می‌افزاید که در نگاه نخست بسیار شگفت به نظر

می‌رسد. او در آغاز ادعا می‌کند که تعریف یا داخل در ماهیت است یا خارج ماهیت است یا ترکیبی از آن دو است:

آنچه بدو تصور مجهول معلوم کنند هر آینه معلوم باشد تا معرف غیرخویش تواند شد. پس:

۱. یا چیزها بود که داخل بود در ماهیت مجهول؛
۲. یا خارج بود ازو، و لامحال باید که خاص بود بدو، والا تعریف حاصل نیاید.
۳. و یا چیزی بود که نه داخل بود و نه خارج، بلکه مشابهتی داشته باشد با او.^{۲۱}

سپس قسم اول را به حد تام و ناقص تقسیم می‌کند:

اما قسم اول را «حد» خوانند.

۱. و چون مجموع اجزاء گفته شود «حد تام» بود و آن به جنس قریب و فصل بود.

۲. و اگر مجموع اجزاء گفته نیاید «حد ناقص» بود و از فصل چاره‌ای نبود.^{۲۲}

و قسم دوم را به رسم تام و ناقص تقسیم می‌کند:

اما قسم دوم را رسم خوانند.

۳. پس اگر جنس که دلالت بر ماهیت [کند] با چیزهای خارج اضافت کنند «رسم تام» بود.

۴. و اگر برخارجیات قناعت نمایند «رسم ناقص» بود.^{۲۳}

و قسم سوم را که مرکب از داخل و خارج ماهیت است ناگزیر به عنوان امری غیر حدی و رسمی معرفی می‌کند و به قسم پنجم می‌رسد:

۵. اما قسم سیم را «مثال» خوانند.

و این کمترین هر دو قسم بود در فایده، و نزدیک‌ترین به فهم مبتدیان، که خاطر ایشان را قوت تمیز نبود.

و بهترین «حد تام» بود، بلکه ماهیت چیزها چنانکه باشد جز به «حد تام» حاصل

۲۱. ابهری، «رساله فارسی»، ۴۶۱.

۲۲. ابهری، «رساله فارسی»، ۴۶۱.

۲۳. ابهری، «رساله فارسی»، ۴۶۱.

نیاید. ۲۴

این قسم پنجم در هیچ‌یک از سه اثر دیگر از چهار اثر نخستین ابهری دیده نمی‌شود. با جست‌وجو در آثار معاصران و اخلاف ابهری، آشکار می‌شود که این تقسیم سه‌بخشی و پنج‌بخشی در واقع ناظر به تقسیم‌بندی چهارگانه و پنج‌گانه فخر رازی است که متفاوت از تقسیم‌بندی چهارگانه ابن‌سینا است:

تعریف الماهیه:

۱. إِمَّا أَنْ يَكُونَ بِنَفْسِهَا وَ هُوَ مُحَالٌ، ...؛

۲. أَوْ بِمَا يَكُونُ دَاخِلًا فِيهَا؛

۳. أَوْ بِمَا يَكُونُ خَارِجًا عَنْهَا؛

۴. أَوْ بِمَا يَتَرَكَّبُ عَنْهُمَا.

و الأول، فإمّا أن يكون تعريف الماهية ببعض أجزائها أو بأكملها.

۱. فإن كان الأول فذلك الجزء:

a. إِمَّا أَنْ يَكُونَ مَلْزَمًا لَهَا وَ جُودًا وَ عَدَمًا فَيَكُونُ حَدًّا نَاقِصًا،

b. وَ إِمَّا أَنْ لَا يَكُونُ كَذَلِكَ، فَلَا يَصْلِحُ لِلتَّعْرِيفِ.

c. وَ إِنْ كَانَ الثَّانِي كَانَ ذَلِكَ حَدًّا تَامًّا.

۲. وَ إِنْ كَانَ الثَّانِي، فَذَلِكَ الْخَارِجِي:

a. إِنْ كَانَ مَسَاوِيًا وَ جُودًا وَ عَدَمًا وَ كَانَ أَعْرَفَ مِنَ الْمَاهِيَةِ كَانَ رِسْمًا نَاقِصًا،

b. وَ إِلَّا فَلَا يَصْلِحُ لِلتَّعْرِيفِ.

۳. وَ إِنْ كَانَ الثَّلَاثِ، فإمّا أن يكون بين تلك الأمور عموم و خصوص، أو لا يكون.

a. فإن كان الأول: فإمّا أن يكون العام ذاتيًا و الخاصّ عرضيًا،

b. أو بالعكس.

و الأول هو الرّسم التام،

و ليس للباقي اسم مخصوص.^{۲۵}

ابهری در رساله فارسی با توجه به این تقسیم‌بندی پنج‌گانه فخر رازی به تقسیم‌بندی پنج‌گانه خود رسیده است که با تقسیم‌بندی فخر تفاوت‌هایی دارد!

افضل‌الدین خونجی از معاصران ابهری نیز در آثار منطقی خود، تحت تأثیر فخر رازی، به تقسیم‌بندی سه‌گانه ابهری اشاره می‌کند ولی قسم دوم (تعریف به خارج ماهیت) را صرفاً «رسم ناقص» می‌نامد و قسم سوم (مركب از داخل و خارج) را به دو قسم «رسم تام» و «رسم ناقص» تقسیم می‌کند که تفاوت جدی با تقسیم ابهری دارد:

والتاني يجب فيه كون ذلك الخارجي لازماً مساوياً و هو «الرسم الناقص» ...

و الثالث إن كان من الجنس و الخاصة فهو «الرسم التام» و إلا كان «رسماً ناقصاً» أيضاً.

فظهر أنّ التعريفات إما بالحد التام أو الناقص أو بالرسم التام أو الناقص.^{۲۶}

عبارت خونجی در کشف الاسرار صراحت بیشتری به خود می‌گیرد و حتی تصریح می‌کند که نام‌گذاری برخی از اقسام قسم سوم به «رسم ناقص» کار او است و با این کار، رسم ناقص را در مقابل رسم تام قرار داده است:

و الثالث إن كان من الجنس و الخاصة يسمي «رسماً تاماً» و إلا كان «رسماً» و هو غير مخصّص باسم و نحن نسميه «الرسم الناقص» أيضاً و يكون الرسم الناقص مقابل الرسم التام.^{۲۷}

خونجی حتی بر رسم بودن تعریف به مثال استدلال می‌کند:

و من التعريفات «المثال» و هو مندرج في الرسم لأنه تعريف الشيء بكونه مشابهاً لآخر في بعض الأحوال، و ذلك لا يمكن إلا إذا كانت تلك المشابهة خاصة مساوية

۲۵. محمد بن عمر فخر رازی، منطق المخلص، تصحيح احد فرامرز قراملکی و آدینه اصغری‌نژاد (تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱)، ۱۰۲.

۲۶. افضل‌الدین خونجی، «الموجز فی المنطق»، در: شرح الموجز للخونجی فی المنطق، حَدمَةُ ماهر محمد عدنان عثمان و اسماعیل بن احمد شزاد (الکویت: دار الضیاء، ۲۰۲۴م)، ۵۲-۵۳؛ افضل‌الدین خونجی، الموجز فی المنطق، مقدمه و تحقیق عبدالواحد جهدانی و جمال موحیب (الکویت: دار ابن حزم، ۲۰۲۲م)، ۷۸-۷۹.

۲۷. افضل‌الدین خونجی، کشف الاسرار عن غوامض الافکار، مقدمه و تحقیق خالد الرویهب (تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران؛ مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین، ۲۰۱۰م. = ۱۳۸۹ش)، ۶۱.

بیّنۀ له، فکان رسماً.^{۲۸}

این عبارات نشان می‌دهد که خونجی دیدگاهی کاملاً متفاوت از ابهری را برمی‌گزیند.

برگردیم به مقایسه رساله‌های چهارگانه ابهری.

در دو رساله زبده الاسرار و هدایة الحکمة، عبارت‌های ابهری شفافیت بیشتری به خود می‌گیرند و ابهری برای هر یک از «حد ناقص» و «رسم ناقص» دو قسم ذکر می‌کند که آشکارا بیشتر از اقسام این دو تعریف در ایساغوجی و رساله فارسی است. در آن دو رساله، ابهری «حد ناقص» را به جنس بعید یا عرض عام به همراه فصل تعریف می‌کند.^{۲۹} بنا به این تعریف، «حد ناقص» دو قسم دارد:

۱. جنس بعید + فصل (مانند «جسم ناطق»);

۲. عرض عام + فصل (مانند «موجود ناطق»).

ابهری «رسم ناقص» را نیز به جنس بعید یا عرضی عام به همراه عرض خاص تعریف می‌کند.^{۳۰} بنا به این تعریف، «رسم ناقص» دو قسم دارد:

۱. جنس بعید + عرض خاص (مانند «جسم ضاحک»);

۲. عرض عام + عرض خاص (مانند «موجود ضاحک»).

به نظر می‌رسد که قسم نخست در رساله فارسی قسمی از «رسم تام» بود و نه «رسم ناقص»، ولی در اینجا از اقسام «رسم ناقص» به شمار آمده است.

این تقسیم‌بندی‌های متفاوت از حد ناقص و رسم ناقص نشان‌گر ابهامی ذاتی در تعریف آن دو است.

۱۱. «خاصه لازمه» در تعریف رسم

به علاوه، ابهری، به جز در رساله فارسی، در تعریف «رسم تام» و «رسم ناقص» قید «لازمه» را به «خاصه» می‌افزاید و گویا تنها منطق‌دانی که از این قید تبعیت می‌کند سراج‌الدین ارموی است

۲۸. خونجی، کشف الأسرار عن غوامض الأفكار، ۷۰.

۲۹. ابهری، زبده الأسرار، ۲۷.

۳۰. ابهری، زبده الأسرار، ۲۷.

که در مطالع الأتوار به صراحت قید «لازمه بینه» را جایگزین می‌کند.^{۳۱}

۱۲. رسم متوسط

ابهری در پنج کتاب از کتب حکمی خود، ترکیب «جنس بعید + عرض خاص» را از تعریف «رسم تام» و «رسم ناقص» خارج می‌کند و آن را «رسم متوسط» می‌نامد.^{۳۲} این مسئله می‌تواند نشانه‌ای باشد بر اینکه زبدة الأسرار و هداية الحکمة مقدم بر آن آثار ابهری است که «رسم متوسط» را طرح کرده‌اند. در واقع، می‌توان نشان داد این پنج کتاب را ابهری در پایان عمر پژوهشی خود نگاشته است.

همه آنچه گذشت، نشان می‌دهد که تعریف «حد ناقص»، «رسم تام» و «رسم ناقص» در لسان منطق دانان مسلمان (و به ویژه ابهری) مورد اختلاف‌های فراوان است و اجماعی روی این تعریف‌ها نیست.

۱۳. خطا در جنس نامیدن «نامی»

می‌دانیم که «جسم نامی» جنس متوسط «انسان» است و مابین جنس‌های «جسم» و «حیوان» قرار دارد. هم‌چنین، آشکار است که «نامی» فصل مقسم این جنس و فصل مقوم «حیوان» و «انسان» است. اما ابهری در رساله فارسی چندین بار «نامی» را جنس معرفی کرده که خطایی است آشکار:

و بدان که جنس به نسبت با آنچه زیر او بود جنس بود، چنان که حیوان به نسبت با

مردم، و به نسبت با آنچه زیر او بود نوع بود، چنانکه حیوان به نسبت با نامی.

و هم‌چنین به بالا می‌رود تا جنسی که بالای او جنسی دیگر نبود، و آن را «جنس

۳۱. سراج‌الدین ارموی، «مطالع الأتوار»، در لوامع الأسرار فی شرح مطالع الأتوار، تصحیح و مقدمه علی اصغر جعفری ولنی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳)، ۱۹۶.

۳۲. اثیرالدین ابهری، عنوان الحق و برهان الصدق، تحقیق و تصحیح زین العابدین حسین (استانبول: نشر دانشگاه ابن خلدون، ۲۰۲۵م)، ۵۸۴؛ اثیرالدین ابهری، دقائق الافکار، تحقیق و تصحیح محمود محمدجعفر جامه‌بزرگی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸)، ۳۸؛ اثیرالدین ابهری، کشف الحقائق فی تحریر الدقائق، تصحیح حسین صاری اوغلو (استانبول: چانتای کتاب‌اوی، ۱۹۹۸م)، ۴۷؛ اثیرالدین ابهری، خلاصة الافکار و نقاوة الأسرار، تصحیح مهدی عظیمی و هاشم قربانی، مقدمه: مهدی عظیمی (تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۶)، ۱۶۰؛ اثیرالدین ابهری، «تنزیل الافکار فی تعدیل الأسرار»، در: منطق و مباحث الفاظ، گردآوری مهدی محقق و توشی‌هیکو ایزوتسو (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳)، برگ ۱۰ سمت راست.

ابیرالدین ابهری: نخستین چهار اثر منطقی / فلاحی ۱۳۱

الاجناس» گویند، و به زیر می‌آید تا به نوعی رسد که در زیر او نوعی دیگر نبود، و آن را «نوع الانواع» گویند، بلکه در تحت او اشخاص بود.

مثالش: جوهر جنس الاجناس است، و جسم نوع اوست، و نامی نوع جسم است، و حیوان نوع نامی، و مردم نوع حیوان، و او نوع الانواع است. و اما به نسبت بالای او حیوان جنس مردم است، و نامی جنس حیوان، و جسم جنس نامی، و جوهر جنس جسم.^{۳۳}

چنانکه دیده می‌شود، در این عبارت، در همه موارد، به جای «جسم نامی» که جنس است به خطا «نامی» که فصل است گذاشته شده است. البته این خطا یک خطا در اصول و قواعد منطق نیست بلکه خطا در مثال است و نباید در مثال مناقشه کرد؛ اما سخن در مناقشه نیست، بلکه سخن در میزان دقت ابهری در این رساله است که نشان می‌دهد این رساله در سنین جوانی و کم‌دقتی او نگاشته شده است.

۱۴. یکی بودن حکم شرطی متصل و شرطی منفصل در بحث عکس مستوی

ابهری در رساله فارسی، پس از بیان احکام عکس مستوی شرطی متصل، که از دیدگاه او در آن زمان، همان احکام عکس مستوی حملیات است، همین حکم را برای شرطی منفصل نیز بیان می‌کند:

و منفصله را بر این قیاس باید کرد.^{۳۴}

اما می‌دانیم که احکام عکس برای متصله و منفصله یکی نیست؛ در متصله‌ها، به گمان غالب منطق‌دانان مسلمان، از جمله ابهری در رساله فارسی، عکس موجب کلیه موجب جزئی است، نه موجب کلیه؛ برای نمونه، عکس:

هرگاه باران ببارد ابر در آسمان است،

عبارت است از:

گاهی اگر ابر در آسمان است باران می‌بارد.

اما در منفصله‌ها، آشکار است که عکس موجب کلیه همان موجب کلیه است. برای نمونه، عکس:

همواره یا باران می‌بارد یا باران نمی‌بارد،

۳۳. ابهری، رساله فارسی، ۴۶۰-۴۶۱.

۳۴. ابهری، رساله فارسی، ۴۶۸.

عبارت است از:

همواره یا باران نمی بارد یا باران می بارد.

ابهری بعدها در سه رساله بیان الأسرار، المطالع، و زبدة الحقائق متفطن این نکته می شود و می گوید که منفصله ها عکس ندارند:

«وَأَمَّا الْمُنْفَصِلَةُ فَلَا يُتَصَوَّرُ فِيهَا الْعَكْسُ؛ لِأَنَّ إِذَا جَعَلْنَا الْجُزْءَ الْأَوَّلَ ثَانِيًا، لَمْ تَحْصُلْ قَضِيَّةٌ أُخْرَى.»^{۳۵}

«وَأَمَّا الشَّرْطِيَّةُ الْمُنْفَصِلَةُ فَلَا يُتَصَوَّرُ فِيهَا الْعَكْسُ؛ لِأَنَّ إِذَا جَعَلْنَا الْجُزْءَ الْأَوَّلَ ثَانِيًا، لَمْ تَحْصُلْ قَضِيَّةٌ أُخْرَى.»^{۳۶}

«وَأَمَّا الْمُنْفَصَلَاتُ فَلَا يُتَصَوَّرُ فِيهَا الْعَكْسُ، لِأَنَّ أَجْزَاءَ الْمُنْفَصِلَةِ لَا تَتَمَيَّزُ بَعْضُهَا عَنِ الْبَعْضِ بِالطَّبَعِ، بَلْ بِالْوَضْعِ؛ فَإِذَا جَعَلْنَا الْجُزْءَ الْأَوَّلَ ثَانِيًا لَمْ تَحْصُلْ قَضِيَّةٌ أُخْرَى، فَلَا يُتَصَوَّرُ فِيهَا الْعَكْسُ.»^{۳۷}

دو خطای یادشده در رساله فارسی و فقدان آنها در دیگر رساله های ابهری، نشان می دهد که این رساله پیش از زبدة الاسرار نگاشته شده است. با وجود این، شواهدی هست که این دو رساله بسیار به هم نزدیک اند و احتمالاً در فاصله زمانی اندکی از یکدیگر نوشته شده اند.

۱۵. موجهات در چهار اثر

در رساله ایساغوجی، چنانکه گفتم، خبری از موجهات نیست. رساله فارسی هم هر چند «ضروری»، «ممکن»، «مطلق» و «دائم» را مطرح می کند به احکام آن در تناقض، عکس مستوی و قیاس ها هرگز نمی پردازد و از این جهت به رساله ایساغوجی بسیار نزدیک است.

در رساله هدایة الحکمة نیز بحث از موجهات بسیار موجز است و صرفاً شامل بحث از

۳۵. اثیرالدین ابهری، بیان الاسرار، نسخه خطی، کتابخانه کویریلی، استانبول، مجموعه فاضل احمد پاشا، شماره ۱/۱۶۱۸، برگ های ۴۴-۵۹، بی تا، برگ ۲۸۸.

۳۶. اثیرالدین ابهری، المطالع، نسخه خطی، کتابخانه کویریلی، استانبول، مجموعه فاضل احمد پاشا، شماره ۳/۱۶۱۸، برگ های ۷۷-۹۰، بی تا، برگ ۱۸۵.

۳۷. اثیرالدین ابهری، زبدة الحقائق، نسخه خطی، کتابخانه کویریلی، استانبول، مجموعه فاضل احمد پاشا، شماره ۴/۱۶۱۸، برگ های ۱۰۷-۱۱۹، بی تا، برگ ۱۱۰.

ابن‌الدین ابهری: نخستین چهار اثر منطقی / فلاحی ۱۳۳

«ضروری»، «مطلق»، «وجودی»، «ممکن عام» و «ممکن خاص» است و خبری از موجهات ۱۳گانه فخر رازی در آن نیست. با وجود این، چند نکته چشم‌گیر در موجهات هدایة الحکمة اینها هستند:

۱. ابهری در این رساله در یک مورد تصریح می‌کند که مقصود از ضرورت ضرورت مطلق است و نه ضرورت‌های مشروط و وقتی و منتشر.^{۳۸}

۲. هم‌چنین مانند برخی منطق‌دانان متقدم، برای «امکان خاص» از اصطلاح نادقیق و ناپخته (بالفوه) استفاده می‌کند.^{۳۹}

۳. به علاوه، «وجودیه» را همان «لاضروریه» می‌گیرد.^{۴۰}

۴. اصطلاحاتی مانند «مطلقه متوسطه» و «ممکنه متوسطه» که در رساله زبده الأسرار معرفی شده بود در این رساله (و دو رساله دیگر) ذکر نشده‌اند.

همه اینها نشان می‌دهد که ابهری در این رساله نیز در آغاز راه است.

۵. البته در این رساله، برخلاف ایساغوجی و رساله فارسی، مبحث عکس مستوی موجهات و برخی مختلطات قیاس به کوتاهی هر چه تمام‌تر و به شیوه متقدمان (ارسطو تا زین‌الدین کشی) طرح می‌شود. ولی هنوز خبری از نوآوری‌های خونجی در کشف الاسرار عن غوامض الأفكار نیست؛ برای نمونه:

۶. ممکنات، چنانکه ارسطو معتقد بود، در رساله هدایة الحکمة عکس مستوی دارند.

۷. ممکنات، در این رساله، هم‌چنین می‌توانند در صغرای قیاس‌های شکل اول و سوم قرار بگیرند.

۱۶. عکس مستوی قضیه ضروریه موجه

رساله هدایة الحکمة، هم‌چنین، توجهی ندارد به نوآوری فخر رازی در یک اختلاف مهم میان دو کتاب ابن‌سینا شفا و اشارات و تنبیهات: عکس مستوی قضیه ضروریه موجه در

۳۸. ابن‌الدین ابهری، هدایة الحکمة، تصحیح عبدالرحمن ترکمانی (بیروت: دار الریاحین، ۱۳۹۸)، ۷۹؛ و ابن‌الدین ابهری، هدایة الحکمة، تصحیح نجفقلی حبیبی، در: خرد و خردورزی: ارج‌نامه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، به‌کوشش علی اوجبی (تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۷)، ۳۹۶.

۳۹. ابهری، هدایة الحکمة (تصحیح حبیبی)، ۳۹۵-۳۹۶؛ و ابهری، هدایة الحکمة (تصحیح ترکمانی)، ۷۸ و ۸۰-۸۱.

۴۰. ابهری، هدایة الحکمة (تصحیح حبیبی)، ۳۹۶؛ و ابهری، هدایة الحکمة (تصحیح ترکمانی)، ۷۹.

رساله هداية الحكمة مانند كتاب شفا «مطلقه عامه» است، نه مانند اشارات و تبيينات «ممکنه عامه»!

«الضرورية و الوجودية و المطلقة تتعكس مطلقة عامّة، لأنه إذا صدق «كَل ج ب» بهذه الجهات فنجد موجوداً معيّناً موصوفاً بكونه «ج» و «ب» بالفعل و هو «د». فد «د ج و ب بالفعل». فيكون «بعض ب ج بالفعل» مع أنه يحتمل الضرورة و اللاضرورة و هي «المطلقة العامّة»^{۴۱}.

فخر رازی در داوری میان دو کتاب ابن سینا، میان موجب کلیه ضروریه «حقیقیه» و «خارجیه» تمایز قائل می‌شود و می‌گوید عکس مستوی آن دو، به ترتیب، موجب جزئیّه «ممکنه عامه حقیقه» و «مطلقه عامه خارجیه» است.

«أما الموجبات: فنقول إن موضوع القضية إما أن يكون مأخوذاً بحسب الحقيقة، أو بحسب الوجود الخارجي. فإن كان الأول كان عكس الموجبه الضرورية ممكنة عامة بالبيان الذي تقدّم،... و أما إن كان موضوع القضية مأخوذاً بحسب الوجود الخارجي، كان عكس الموجبه الضرورية، مطلقة عامّة»^{۴۲}.

این نشان می‌دهد که ابهری در این چهار اثر توجهی به تمایز حقیقیه و خارجیه نزد فخر رازی ندارد، تمایزی که بعدها برای او بسیار مهم خواهد گشت.

۱۷. جمع بندی

از آنچه گذشت، نتیجه می‌شود که چهار اثری که در این مقاله از ابهری بررسی شد، به احتمال بالا ترتیب نگارشی زیر را از سر گذرانده‌اند:

۱. ایساغوجی؛

۲. رساله فارسی در منطق؛

۳. زبدة الاسرار؛

۴. هداية الحكمة.

۴۱. ابهری، هداية الحكمة (تصحیح حبیبی)، ۳۹۹؛ و ابهری، هداية الحكمة (تصحیح ترکمانی)، ۹۳.

۴۲. محمد بن عمر فخر رازی، منطق الملتخص، تصحیح احد فرامرز قراملکی و آدینه اصغری نژاد (تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱)، ۱۹۹.

ابیرالدین ابهری: نخستین چهار اثر منطقی / فلاحی ۱۳۵

رساله نخست (ایساغوجی) چند خطای منطقی بسیار مهم مرتکب می‌شود که تاکنون در هیچ اثر منطقی از آثار منطق دانان مسلمان مشاهده نکرده‌ام و این را نشانه‌ای بر نگارش رساله نخست در دوران جوانی ابهری و تقدم آن بر سه رساله دیگر گرفته‌ام و این خطاها عبارت‌اند از: ۱. شرط «بقای تصدیق و تکذیب» به جای «بقای صدق و کذب» در تعریف عکس مستوی، ۲. جنس نامیدن «نامی»، و ۳. یکی گرفتن احکام شرطی متصل و منفصل در قیاس‌ها.

هم‌چنین، سه اثر نخست به ترتیب از مجمل به مفصل چیده شده‌اند که نشانه‌ای (البته نه قطعی) بر ترتیب نگارششان می‌تواند باشد.

رساله چهارم اما بسیار چکیده‌تر از رساله سوم و شاید حتی چکیده‌ای از آن باشد، چراکه در انتهای بخش منطق و الهیات آن خواننده را برای تفصیل هر چه بیشتر به رساله سوم ارجاع می‌دهد. هم‌چنین، دیدیم که این دو رساله در بحث اقسام حد ناقص و رسم ناقص کاملاً مشابه هم هستند.

این چهار اثر فاقد نوآوری‌های منطقی بسیار مهم ابهری در ۱۲ اثر منطقی بعدی‌اش هستند (که در مقالات دیگری به آنها خواهیم پرداخت). فقدان نوآوری‌های آثار بعدی در این چهار اثر نشان می‌دهد که پیش از همه آن آثار بعدی به نگارش درآمده‌اند و می‌توان آن آثار را ادامه منطق‌نگاری‌های او به شمار آورد.

هم‌چنین، دیدیم که ابهری در زبدة الاسرار دو اصطلاح مهم «مطلقه متوسطه» و «ممکنه متوسطه» را برای نخستین بار در تاریخ منطق در جهان اسلام مطرح کرده است و این دو معادل دو اصطلاح «حینیة مطلقه» و «حینیة ممکنه» از الموجز افضل‌الدین خونجی است. این نشان می‌دهد که این دو رساله احتمالاً در زمان‌هایی نزدیک به یکدیگر نگاشته شده‌اند. با وجود این، تأثیر و تأثر این دو رساله بر یکدیگر ناشناخته است و صرفاً می‌دانیم که منطق دانان مسلمان پس از ابهری و خونجی از دو اصطلاح خونجی پیروی کرده‌اند و نه ابهری. حتی نجم‌الدین کاتبی که شاگرد مستقیم ابهری بوده در همه آثار منطقی‌اش صرفاً دو اصطلاح خونجی را به کار برده و هیچ اشاره‌ای به دو اصطلاح استادش نکرده است. این مسئله تأثیرگذاری بیشتر خونجی بر منطق دانان بعدی را نشان می‌دهد، ولی درباره تأثیر و تأثر متقابل دو رساله ابهری و خونجی دلالت واضح و روشنی ندارد.

در پایان، یک حدس تاریخی درباره تاریخ نگارش رسائل مطرح در این مقاله (و نیز رسائل و کتب بعدی ابهری) طرح کنم. از آنجاکه ابهری چهار رساله دوم خود (بیان الاسرار، تلخیص

الحقائق، المطالع، زبدة الحقائق) را در سال ۶۲۷ق. به نجم‌الدین کاتبی جوان تدریس کرده (یا به تعبیر بهتری، کاتبی این چهار رساله را نزد ابهری خوانده) است، می‌توان نتیجه گرفت که هشت اثر حکمی نخستین ابهری، هیچ کدام پس از ۶۲۷ق. نگاشته نشده‌اند. اگر فرض کنیم ابهری از ۶۲۰ق. شروع به نگارش این آثار حکمی کرده و در ۶۲۷ق. به پایان برده و پراکندگی نگارش این کتاب‌ها یکنواخت بوده باشد، می‌توان نتیجه گرفت که هر سال یک کتاب نگاشته و در این صورت، تاریخ نگارش این هشت اثر نخستین به احتمال بالا به صورت زیر بوده است:

ایساغوجی ۶۲۰ق.، رساله فارسی ۶۲۱ق.، زبدة الاسرار ۶۲۲ق.، هدایة الحکمة ۶۲۳ق.

بیان الاسرار ۶۲۴ق.، تلخیص الحقائق ۶۲۵ق.، المطالع ۶۲۶ق.، زبدة الحقائق ۶۲۷ق.

از آنجا که قدیم‌ترین نسخه به‌جامانده از کشف الحقائق ابهری به سال ۶۴۲ق. نگارش شده (مقدمه بورص بوغا بر کتاب الشکوک علی الملخص ص ۴۲) و فاصله میان ۶۲۷ و ۶۴۲ پانزده سال است و میان آن دو، ابهری هفت کتاب دیگر نگاشته است، مناسب است که فرض کنیم ابهری به صورت یک‌نواخت هر دو سال یک بار یک کتاب را به نگارش درآورده و بنابراین، ده کتاب پایانی را از ۶۲۸ق. تا ۶۴۶ق. نگاشته باشد. با این پیش‌فرض‌ها تاریخ نگارش این ده کتاب به صورت زیر خواهد بود:

مرصد المقاصد ۶۲۸ق.، کشف الدقائق ۶۳۰ق.، کتاب الشکوک علی الملخص ۶۳۲ق.

منتهی الافکار ۱: ۶۳۴ق.، منتهی الافکار ۲: ۶۳۶ق.

عنوان الحق ۶۳۸ق.، دقائق الافکار ۶۴۰ق.

کشف الحقائق ۶۴۲ق.، خلاصة الافکار ۶۴۴ق.، تنزیل الافکار ۶۴۶ق.

البته آشکار است که واقعیت به احتمال خیلی بالا غیر از این بوده، اما تخمین بالا می‌تواند کمکی به تخمین‌های دیگر باشد تا در آینده بتوانیم به تخمینی بسیار نزدیک به واقع برسیم. اهمیت تخمین سال نگارش آثار ابهری در این است که در صورت یافتن سال تألیف آثار منطق‌دانان معاصر ابهری، مانند کُشی، مراغی، بامیانی، خونجی، نخجوانی، خواجه نصیر، کاتبی، ارموی، نسفی، شهرزوری، ابن کمونه، و دیگران به ربط و نسبت ایشان به یکدیگر احتمال‌هایی را مطرح و درستی یا نادرستی آنها را بررسی کنیم و از این طریق به ارتباط متقابل آنها بیشتر و بهتری برسیم.

اثیرالدین ابهری: نخستین چهار اثر منطقی / فلاحی ۱۳۷

سیاهه منابع

- ابهری، اثیرالدین. «تنزیل الأفكار في تعديل الأسرار». در: منطق و مباحث الفاظ، گردآوری مهدی محقق و توشی هیکو ایزوتسو، ۱۳۷-۲۴۸. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- ابهری، اثیرالدین. «رساله فارسی». تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۷، شماره ۳ و ۴ (۱۳۴۹): ۴۸۴-۴۹۴.
- ابهری، اثیرالدین. «منطق هداية الحکمه». تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۷، شماره ۳ و ۴ (۱۳۴۹): ۴۵۸-۴۸۳.
- ابهری، اثیرالدین. المطالع. نسخه خطی، کتابخانه کوپریلی، استانبول، مجموعه فاضل احمد پاشا، شماره ۳/۱۶۱۸، برگ‌های ۷۷-۹۰، بی تا.
- ابهری، اثیرالدین. ایساغوجی. تصحیح الأشیری. بی جا: بی نا، ۱۴۳۹ق.
- ابهری، اثیرالدین. ایساغوجی. نسخه خطی، کتابخانه مراد ملا، استانبول، شماره ۱۴۸۵، بی تا.
- ابهری، اثیرالدین. بیان الاسرار. نسخه خطی، کتابخانه کوپریلی، استانبول، مجموعه فاضل احمد پاشا، شماره ۱/۱۶۱۸، برگ‌های ۴۴-۵۹، بی تا.
- ابهری، اثیرالدین. تلخیص الحقائق. نسخه خطی، کتابخانه کوپریلی، استانبول، مجموعه فاضل احمد پاشا، شماره ۲/۱۶۱۸، برگ‌های ۴۴-۵۹، بی تا.
- ابهری، اثیرالدین. تنزیل الأفكار في تعديل الأسرار. تحقیق و تصحیح محمود آئی و مصطفی بورص بوغا. استانبول: نشر دانشگاه ابن خلدون، ۲۰۲۵م.
- ابهری، اثیرالدین. خلاصه الأفكار و نقاوة الأسرار. تصحیح مهدی عظیمی و هاشم قربانی. مقدمه: مهدی عظیمی. تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۶.
- ابهری، اثیرالدین. دقائق الافکار. تحقیق و تصحیح محمود محمدجعفر جامه‌بزرگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
- ابهری، اثیرالدین. زبدة الأسرار. تحقیق و تصحیح مهدی حسنی‌زاده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
- ابهری، اثیرالدین. زبدة الحقائق. نسخه خطی، کتابخانه کوپریلی، استانبول، مجموعه فاضل احمد پاشا، شماره ۴/۱۶۱۸، برگ‌های ۱۰۷-۱۱۹، بی تا.
- ابهری، اثیرالدین. عنوان الحق و برهان الصدق. تحقیق و تصحیح زین‌العابدین حسین. استانبول: نشر دانشگاه ابن خلدون، ۲۰۲۵م.

۱۳۸ هستی و شناخت / سال ۱۰ / شماره ۲ / پیاپی ۲۰ / صص ۱۱۳-۱۴۰

ابهری، اثیرالدین. کشف الحقائق في تحرير الدقائق. تصحيح حسين صاري اوغلو. استانبول: چانتای کتاب‌اوی، ۱۹۹۸م.

ابهری، اثیرالدین. کشف الدقائق في علم الحقائق. نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۴۸۲، بی تا.

ابهری، اثیرالدین. کتاب الشکوک علی الملخص. تصحيح مصطفى بورص بوغا. استانبول: ترکیه یازما اثرل کورومو باشکانلیقی یاینلاری، ۲۰۲۵م.

ابهری، اثیرالدین. مراد المقاصد. تحقيق راجح مصطفى مصطفى هلال. مقدمه: عبدالله محمد اسماعیل. قاهره: دار نور اليقين للطباعة والنشر والتوزيع، ۲۰۲۴م.

ابهری، اثیرالدین. مراد المقاصد. تصحيح مصطفى بورص بوغا و سميہ شهيدہ جان. استانبول: نشر دانشگاه ابن خلدون، ۲۰۲۵م.

ابهری، اثیرالدین. منتهی الأفكار في إبانة الأسرار (منطق تحریهای یکم و دوم). تصحيح مهدي عظيمی و هاشم قربانی. مقدمه: مهدي عظيمی. تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۵.

ابهری، اثیرالدین. هداية الحكمة. تصحيح عبدالرحمن ترکمانی. بيروت: دار الرياحين، ۱۳۹۸.

ابهری، اثیرالدین، «هداية الحكمة»، تصحيح نجفقلی حبیبی، در: خرد و خردورزی: ارج نامه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، به کوشش علی اوجبی. تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۷.

ارموی، سراج‌الدین. «مطالع الأنوار»، در: لوامع الأسرار في شرح مطالع الأنوار، تصحيح و مقدمه علی اصغر جعفری ولنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.

انوارى، سعيد، و روح الله عالمی. «تعريف عكس مستوى از دیدگاه ابن سینا». حکمت سینوی ۱۲، شماره ۴۰ (پاییز ۱۳۸۷): ۱۰۲-۱۲۴.

ثبوت، اکبر. «هداية الحكمة و شروع آن». در خرد جاویدان: جشن نامه سیدجلال‌الدین آشتیانی، به کوشش علی اصغر محمدخانی و حسن سیدعرب، تهران: فروزان روز، ۱۳۷۷.

جوانمردی ادیب، علیرضا. تصحيح و مقدمه شرح هداية الحكمة میبدی. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۷.

خونجی، افضل‌الدین. «الجمال فی المنطق». در: ابن‌واصل، ابو عبدالله محمد بن سالم الحموی، شرح الجمال، تصحيح خالد الرويهب. لیدن/بوستون: بریل، ۲۰۲۲م.

خونجی، افضل‌الدین. «الموجز فی المنطق». در: شرح الموجز للخونجی فی المنطق، حَدمه ماهر محمد عدنان عثمان و اسماعیل بن احمد شزاد. الكويت: دار الضیاء، ۲۰۲۴م.

اثیرالدین ابهری: نخستین چهار اثر منطقی / فلاحی ۱۳۹

خونجی، افضل‌الدین. الموجز فی المنطق. مقدمه و تحقیق عبدالواحد جهدانی و جمال موحیب. الکویت: دار ابن حزم، ۲۰۲۲م.

خونجی، افضل‌الدین. کشف الاسرار عن غوامض الافکار. مقدمه و تحقیق خالد الرویهب. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران؛ مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین، ۲۰۱۰م. = ۱۳۸۹ش. سمرقندی، شمس‌الدین. قسطاس الافکار. تحقیق و تصحیح اسدالله فلاحی. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۹.

سهروردی، شهاب‌الدین. «حکمة الإشراف». در الحکمة الإشرافية (مجموعه مصنفات شهاب‌الدین یحیی السهروردی)، المجلد الأول: کتاب حکمة الإشراف، القسم الأول: فی ضوابط الفكر (المنطق)، تقدیم، تحقیق و تصحیح محمد ملکی (جلال‌الدین)، تصدیر سید حسین نصر، مع التعليقات و الايضاحات لصدرالدین الشیرازی و جماعة من حکماء المشاء و الإشراف. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.

سهروردی، شهاب‌الدین. مجموعه مصنفات شیخ اشراق. جلد ۱. تصحیح و مقدمه هانری کرین، سید حسین نصر و نجفعلی حبیبی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۵. طوسی، نصیرالدین. «تعدیل المعیار فی شرح تنزیل الافکار». در: منطق و مباحث الفاظ، گردآوری مهدی محقق، ۱۳۷-۲۴۸. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.

عظیمی، مهدی. «دشوارة تعریف جنس و نوع اضافی و دیگر مفاهیم متضایف: ارسطو، فرفوروس، فارابی، ابن‌سینا». جاویدان خرد، شماره ۲۰ (پاییز و زمستان ۱۳۹۰): ۱۲۳-۱۴۸.

عظیمی، مهدی. «منطق ابهری در المطالع». فلسفه و کلام اسلامی ۵۳، شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۹): ۲۰۰-۱۶۳.

عظیمی، مهدی. «منطق ابهری در بیان الاسرار». فلسفه و کلام اسلامی ۵۰، شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۶): ۲۹۹-۲۶۹.

عظیمی، مهدی. «منطق ابهری در تلخیص الحقائق». جاویدان خرد، شماره ۳۰ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵): ۱۳۲-۱۰۱.

عظیمی، مهدی. «منطق ابهری در زیادة الحقائق»، فلسفه و کلام اسلامی ۵۲، شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸): ۱۲۰-۹۱.

عظیمی، مهدی. «میراث اثیری و کارنامه اثیرالدین ابهری». تاریخ فلسفه ۴، شماره ۳ (پیاپی ۱۵) (زمستان ۱۳۹۲): ۱۸۰-۱۵۱.

۱۴۰ هستی و شناخت / سال ۱۰ / شماره ۲ / پیاپی ۲۰ / صص ۱۱۳-۱۴۰

عظیمی، مهدی. ماهیت منطق و ماهیت منطق: شرح منطق اشارات (نهج اول و دوم). قم: مجمع عالی حکمت، ۱۳۹۳.

فخر رازی، محمد بن عمر. منطق الملخص. تصحیح احد فرامرز قراملکی و آدینه اصغری تژاد. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱.

فلاحی، اسدالله. منطق سمرقندی. تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۴.
فیاض انوش، ابوالحسن. «میرحسین میبدی (مقتول ۹۱۱ ه.ق.)، یک بازشناسی تاریخی». پژوهش‌های تاریخی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، سال ۲، شماره ۳ (پیاپی ۷) (پاییز ۱۳۸۹): ۹۳-۱۱۶.

کشی، زین‌الدین عبدالرحمن. حدائق الحقائق فی علم المنطق و الطبیعی و الإلهی. تصحیح علی اصغر جعفری ولنی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۴۰۴.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم بن یحیی قوامی شیرازی (صدرالدین محمد شیرازی). شرح الهدایة الاثریة فی الالهیات. تصحیح، تحقیق و مقدمه مقصود محمدی. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۹۳.
میبدی، قاضی کمال‌الدین. شرح هدایة الحکمة. تصحیح، تحقیق و مقدمه علیرضا جوانمردی ادیب. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی